

کوشش گروهی از اساتید، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ میقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ نقد و بررسی گزارش‌های زندگانی پیش از بعثت پیامبر ﷺ: رمضان محمدی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ش.

صدیقه شاکری حسین‌آباد



### آمیزش: درآمیختن جنسی با دیگری؛ از

#### محرمات احرام

واژه «آمیزش» اسم مصدر از آمیختن به مفهوم امتزاج، اختلاط، ترکیب شدن و معاشرت کردن با دیگران است.<sup>۱</sup> در کاربرد رایج، به مباشرت جنسی انسان با انسان یا حیوان دیگر، آمیزش گفته می‌شود.<sup>۲</sup> از این مفهوم، در قرآن و حدیث و منابع فقهی با واژگان و تعبیری گوناگون مانند مجامعت، جماع، مواقعه، وطی، ایلاج، مس، لمس، تعشی، اتیان، مباشرت، دخول، رفت، طمٹ، نکاح، إفضاء، قضاء و طهر و غشیان یاد شده است.<sup>۳</sup> آمیزش در شریعت اسلامی بر دو گونه

است: ۱. حلال؛ یعنی آمیزش مرد و زن با تحقق اسباب شرعی آن که عبارت است از: ازدواج اعم از دائم و موقت، ملک یمین و تحلیل کنیز از سوی مولا.<sup>۴</sup> آمیزش به شبهه یعنی آمیزش مرد با زن بیگانه به گمان این که همسر یا کنیز خود اوست، نیز از منظر فقیهان حلال به شمار می‌رود.<sup>۵</sup> ۲. حرام؛ یعنی آمیزش انسان با دیگری بدون تحقق اسباب شرعی یا با وجود مانع شرعی. گاه این حرمت ذاتی است؛ مانند آمیزش مرد و زن بدون عقد شرعی و ملک یمین (زنا)، آمیزش مرد با همجنس خود (لواط) و آمیزش انسان با حیوان. گاه نیز حرمت آمیزش عرَضی است؛ مانند آمیزش انسان با همسر خود در حال حیض یا نفاس، روزه واجب، اعتکاف و احرام. در چنین مواردی آمیزش افزون بر حرمت، آثاری وضعی مانند بطلان عبادت<sup>۶</sup> (روزه، اعتکاف و حج) و کفاره و تعزیر<sup>۷</sup> نیز در پی دارد. این مقاله تنها به احکام تکلیفی و وضعی آمیزش در حال احرام می‌پردازد. (برای دیگر تمتعات جنسی در حال احرام ← التذاذ جنسی، خود ارضایی)

۴. المبسوط، طوسی، ج ۴، ص ۲۰۸.

۵. المبسوط، طوسی، ج ۵، ص ۲۲۰؛ ایضاح الفوائد، ج ۳، ص ۲۶۲.

۶. نک: جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۲۱۹-۲۲۳، ۳۰۸-۳۰۹، ج ۱۷، ص ۲۰۷؛ الفقه الاسلامی، ج ۲، ص ۶۵۲، ۶۶۱، ۶۷۱، ۶۷۶، ج ۳، ص ۱۷۲۷-۱۹۲۹، ۱۷۶۲-۱۷۶۳.

۷. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۰۸-۲۰۹.

۱. لغت نامه، ج ۱، ص ۱۶۳؛ فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، ص ۱۶۳، «آمیزش».

۲. لغت نامه، ج ۱، ص ۱۶۳؛ فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۹۳.

۳. نک: دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۱، ص ۲۲۳-۳۲۴؛ دانشنامه

چهار اسلام، ج ۲، ص ۱۳۴، «باه».

فیض‌ها و جایگاه بیت الله الحرام، و آگاهی به حساسیت و اهمیت مناسک حج.<sup>۸</sup> برخی بر آنند که چون شهوت‌ها، از جمله شهوت جنسی، از مظاهر فریبنده دنیوی‌اند (آل عمران/۳، ۱۴) آمیزش در حج که عبادت و سفری معنوی و ملکوتی است، منع شده است.<sup>۹</sup>

### ◀ احکام فقهی آمیزش

۱. حرمت آمیزش در حال احرام: به اجماع فقیهان شیعه<sup>۱۰</sup> و اهل سنت<sup>۱۱</sup> آمیزش در حال احرام حرام است؛ خواه احرام حج باشد و خواه احرام عمره مفرده یا تمتع<sup>۱۲</sup>، واجب باشد یا مستحب<sup>۱۳</sup>، با همسر باشد یا با دیگری<sup>۱۴</sup>، از راه جلو باشد یا پشت<sup>۱۵</sup> و همراه انزال باشد یا نه.<sup>۱۶</sup> از مستندات این حکم، آیه ۱۹۷ بقره/۲ است که به طور مطلق آمیزش در حج را نهی کرده است.<sup>۱۷</sup> ﴿فَمَنْ فَرَّضَ فِيهِنَّ

### ◀ آمیزش احرام گزار در متون دینی:

در آیه ۱۹۷ بقره/۲ از آمیزش در حج نهی شده است: ﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَّضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾. بر پایه احادیث<sup>۱</sup> و به نظر بیشتر مفسران شیعه<sup>۲</sup> و اهل سنت<sup>۳</sup> «رَفَث» به معنای مباشرت جنسی است. البته معانی دیگر هم برای آن یاد شده است؛ مانند سخن گفتن درباره مباشرت، قرار گذاشتن درباره آن و سخنان قبیح و بیهوده.<sup>۴</sup> افزون بر آن، در احادیث پرشمار از آمیزش در حج و عمره نهی شده است.<sup>۵</sup> (نیز ← ادامه مقاله: حرمت آمیزش در حال احرام) از آیه یاد شده می‌توان دریافت که حکمت تشریح این منع، تثبیت و تقویت تقوا در انسان است: ﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾. در احادیث شیعه نیز به این حکمت اشاره شده است.<sup>۶</sup> از دیگر حکمت‌های حرمت آمیزش در حال احرام، می‌توان به این موارد اشاره کرد: تمامیت و کمال حج<sup>۷</sup>، دستیابی به معرفت خدا، درک

۸. احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۶۵-۲۶۷.  
 ۹. فرهنگ‌نامه اسرار و معارف حج، ص ۱۴۰.  
 ۱۰. منتهی‌المطلب، ج ۲، ص ۸۰۸؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۳۳۹؛ المعتمد، ج ۴، ص ۶۳ «کتاب الحج».  
 ۱۱. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۶؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۶۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۹۰.  
 ۱۲. المعتمد، ج ۴، ص ۶۳ «کتاب الحج»؛ الاقناع، ج ۱، ص ۲۴۰.  
 ۱۳. ذخیره المعاد، ج ۱، ص ۱۸۸؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۰۶.  
 ۱۴. المجموع، ج ۷، ص ۲۹۰؛ الاقناع، ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۹.  
 ۱۵. المجموع، ج ۷، ص ۲۹۰؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۵۱.  
 ۱۶. المجموع، ج ۷، ص ۲۹۱؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۵۲.  
 ۱۷. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۷۱؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۳۳۹.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۸؛ مجمع الزوائد، ج ۶، ص ۳۱۷.  
 ۲. مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۲-۴۳؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۸۳.  
 ۳. جامع البیان، ج ۲، ص ۳۶۵؛ تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۴۰۸.  
 ۴. مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۳؛ زاد المسیر، ج ۱، ص ۱۹۲؛ تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۴۰۸.  
 ۵. الکافی، ج ۴، ص ۳۷۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۶۵.  
 ۶. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۸؛ تهذیب، ج ۵، ص ۲۹۶.  
 ۷. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۸؛ الکافی، ج ۴، ص ۳۳۷.

الْحَجَّ فَلَا زَفَتَ... فِي الْحَجِّ». به استناد احادیث<sup>۱</sup>، مراد از فرض حج در آیه، محرم شدن حج گزار است که با کارهایی مانند گفتن تلبیه\* یا اشعار و تقلید\* صورت می گیرد.<sup>۲</sup> (← اشعار و تقلید\*) در احادیث اهل بیت (علیهم السلام) مراد از اتمام حج و عمره در آیه ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ (بقره/۲، ۱۹۶) به پایان رساندن حج و عمره بدون آمیزش دانسته شده است.<sup>۳</sup> نیز احادیثی از پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) آمیزش در حال احرام را حرام شمرده اند.<sup>۴</sup>

## ۲.۳ زمان حرمت آمیزش: به نظر فقیهان

امامی، ممنوعیت آمیزش در عمره مفرده از زمان احرام آغاز می شود و پس از نماز طواف پایان می یابد.<sup>۵</sup> در عمره تمتع، پایان زمان ممنوعیت، تقصیر (کوتاه کردن مو یا ناخن) است.<sup>۶</sup> در حج تمتع، آمیزش پس از انجام یافتن

همه ارکان حج و طواف نساء حلال می شود.<sup>۷</sup> مستند این احکام، احادیث است.<sup>۸</sup> با ترک عمدی یا سهوی طواف نساء در عمره مفرده یا حج تمتع، حرمت آمیزش همچنان باقی است.<sup>۹</sup> حتی اگر کودک محرم این طواف را به جا نیاورد، کامیابی از همسر پس از بلوغ بر او حرام است.<sup>۱۰</sup> در این فرض، حلال شدن آمیزش هنگامی صورت می پذیرد که احرام گزار یا نایب او در همان سال یا سال دیگر طواف نساء را به جا آورد.<sup>۱۱</sup> در برابر سخن مشهور، ابن بابویه، فقیه امامی سده سوم، با استناد به حدیثی بر این باور است که در فرض ترک طواف نساء، با انجام دادن طواف وداع نیز آمیزش حلال می شود.<sup>۱۲</sup> دیگر فقیهان امامی سند این حدیث را ضعیف و آن را معارض با احادیث پرشماری دانسته اند که آمیزش را تنها با ادای طواف نساء حلال می شمرند.<sup>۱۳</sup>

به نظر بیشتر فقیهان اهل سنت از مذاهب

۱. المغنی، ج ۳، ص ۳۱۵؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۸۰۸؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۵۲.
۲. المجموع، ج ۷، ص ۱۴۰؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۲۵.
۳. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۶۶.
۴. السنن الكبرى، ج ۵، ص ۱۶۷؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۲۵۹-۲۶۰.
۵. تهذیب، ج ۵، ص ۳۱۶-۳۱۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳۴-۴۳۵.
۶. المغنی، ج ۳، ص ۲۶۵، ۳۱۶؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۸۰۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۸۶.
۷. السرائر، ج ۱، ص ۶۳۵؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۴۳۸؛ کلمة التقوی، ج ۳، ص ۴۸۴.
۸. السرائر، ج ۱، ص ۵۲۱؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۹.

۹. السرائر، ج ۱، ص ۵۲۱؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۹۷-۳۰۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۳۷۴-۳۷۸.
۱۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۴۰۵-۴۰۷.
۱۱. الدروس، ج ۱، ص ۴۰۴؛ الروضة البهیة، ج ۲، ص ۲۵۷؛ المعتمد، ج ۵، ص ۳۵۶-۳۶۰. «کتاب الحج».
۱۲. الدروس، ج ۱، ص ۴۵۸؛ الروضة البهیة، ج ۲، ص ۲۵۸.
۱۳. الحدائق، ج ۱۷، ص ۲۸۷؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۵۳؛ المعتمد، ج ۵، ص ۳۶۰. «کتاب الحج».
۱۴. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۲؛ الدروس، ج ۱، ص ۴۰۴.
۱۵. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۲-۲۰۳؛ الحدائق، ج ۱۶، ص ۱۸۴.

عمره فاسد قائل نشده‌اند<sup>۸</sup> و چنانچه آمیزش پس از سعی و پیش از تقصیر صورت گیرد، به نظر بسیاری از فقیهان به استناد احادیث<sup>۹</sup>، عمره صحیح است و فقط کفاره دارد.<sup>۱۰</sup> البته برخی از فقیهان آمیزش قبل از تمام شدن مناسک عمره و ادای طواف نساء را به طور مطلق سبب فساد عمره دانسته‌اند.<sup>۱۱</sup> برای قضای عمره مفروده در صورت فساد، به نظر برخی از فقیهان، احرام گزار باید تا ماه قمری بعد در مکه بماند<sup>۱۲</sup> و با محرم شدن از یکی از مواقیت پنج گانه، عمره را اعاده کند.<sup>۱۳</sup> ولی برخی دیگر قضای عمره را در ماه بعد مستحب شمرده‌اند.<sup>۱۴</sup> اندکی از فقیهان در صورت آمیزش میان زوجین در عمره مفروده، به وجوب جدایی آن‌ها از یکدیگر تا پایان مناسک قائل شده‌اند.<sup>۱۵</sup>

در صورت آمیزش عمدی در احرام عمره تمتع، به نظر برخی از فقیهان امامی، عمره و حج محرم صحیح است؛ اما باید کفاره نیز

مختلف، در عمره مفروده آمیزش پس از حلق یا تقصیر حلال می‌شود.<sup>۱</sup> برخی برآنند که پس از سعی<sup>\*</sup> آمیزش حلال می‌شود.<sup>۲</sup> به نظر بعضی دیگر که حلق را از مناسک اصلی شمرده‌اند، آمیزش پس از حلق حلال می‌شود.<sup>۳</sup> در حج نیز به نظر همه فقیهان اهل سنت، آمیزش پس از رمی جمره عقبه و حلق و طواف افاضه حلال می‌گردد.<sup>۴</sup> (← تحلل)

### ۳. آثار شرعی آمیزش در حال

**احرام:** آمیزش در حال احرام عمره و حج، آثار شرعی گوناگون برای حج گزار و گاه دیگران دارد. این آثار بسته به نوع احرام و زمان و شرایط آمیزش کننده متفاوتند:

۱. **آمیزش در عمره مفروده یا تمتع:** به نظر فقیهان امامی، به استناد احادیث<sup>۵</sup>، آمیزش عمدی در عمره مفروده پیش از سعی بین صفا و مروه، موجب فساد عمره و وجوب کفاره است.<sup>۶</sup> افزون بر این، بسیاری از فقیهان اتمام عمره فاسد و قضای آن را نیز واجب شمرده‌اند.<sup>۷</sup> اما برخی از فقیهان به وجوب اتمام

۸. نک: مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۴۲۳؛ المعتمد، ج ۴، ص ۸۸ «کتاب الحج».

۹. تهذیب، ج ۵، ص ۱۶۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۲۹.

۱۰. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۷؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۸۰-

۳۸۲؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۳۹۰.

۱۱. المسبوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۱۲. المسبوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۵.

۱۳. مناسک الحج، سیستانی، ص ۱۱۰.

۱۴. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۹؛ ایضاح الفوائد، ج ۱، ص ۳۴۷.

۱۵. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۴۸۱.

۱. بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۲۹۶؛ المجموع، ج ۸، ص ۸۱؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۲۲۰؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۴۷.

۲. بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۲۹۶.

۳. فتح العزیز، ج ۷، ص ۲۸۳؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۴۱۳-۴۱۴.

۴. المغنی، ج ۳، ص ۴۶۷؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۲۹.

۵. الکافی، ج ۴، ص ۵۳۹؛ تهذیب، ج ۵، ص ۳۲۴.

۶. مستند الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۶۳؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۸۳.

۷. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۹؛ جامع المقاصد، ج ۳، ص ۳۵۰؛

جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۸۳.

یا فراموشی باشد، عمره صحیح است و کفاره هم ندارد.<sup>۹</sup>

به نظر فقیهان شیعه<sup>۱۰</sup> و بیشتر فقیهان اهل سنت<sup>۱۱</sup> به استناد احادیث، کفاره آمیزش در عمره قربانی کردن یک شتر است؛ ولی برخی از فقیهان اهل سنت کشتن گوسفند یا ریختن خون حیوانی را کافی شمرده‌اند.<sup>۱۲</sup> برخی نیز برآنند که در صورت آمیزش پس از طواف وسعی و قبل از حلق، کفاره واجب نیست و تنها آمرزش خواستن از خداوند لازم است.<sup>۱۳</sup> بیشتر فقیهان اهل سنت به استناد احادیث، آمیزش عمدی احرام گزار را با انسان یا حیوان در عمره قبل از تحلل\*، سبب بطلان عمره دانسته و افزون بر ادای کفاره، اتمام عمره و قضای آن را واجب شمرده‌اند.<sup>۱۴</sup> برخی گفته‌اند که اگر حلق و تقصیر از مناسک عمره به شمار نرود، آمیزش پس از سعی موجب بطلان عمره نیست.<sup>۱۵</sup> به نظر حنفیان، وقوع آمیزش پیش از شوط چهارم طواف موجب

بپردازد.<sup>۱</sup> اما برخی دیگر از فقیهان امامی برآنند برآنند که حکم آمیزش در عمره تمتع همانند عمره مفرده است؛<sup>۲</sup> یعنی با وقوع آمیزش قبل از سعی، عمره فاسد می‌شود و افزون بر ادای کفاره و اتمام عمره فاسد، اعاده آن لازم است و گرنه اعاده حج در سال بعد واجب خواهد شد.<sup>۳</sup> برخی از فقیهان اتمام عمره را از باب احتیاط لازم شمرده‌اند.<sup>۴</sup> این گروه از فقیهان برای فساد عمره و وجوب کفاره<sup>۵</sup> به احادیثی از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) استناد کرده‌اند.<sup>۶</sup> در صورت اعاده عمره، هرگاه وقت عمره تمتع تنگ باشد، حج تمتع به حج افراد\* تبدیل می‌شود و احرام گزار باید پس از مناسک حج، عمره مفرده به جا آورد و در سال بعد حج را اعاده کند.<sup>۷</sup> چنانچه در عمره تمتع آمیزش پس از سعی و پیش از تقصیر صورت گیرد، به نظر همه فقیهان امامی، عمره فاسد نمی‌شود و تنها کفاره لازم است.<sup>۸</sup> نیز اگر آمیزش بر اثر جهل

۱. المعتمد، ج ۴، ص ۶۸، «کتاب الحج»: مناسک الحج، تبریزی،

ص ۱۰۸؛ مناسک الحج، سیستانی، ص ۱۰۹.

۲. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۵؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۳۸۸، ۳۹۱؛ مستند الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۶۲-۲۶۳.

۳. کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۳۲۴؛ مناسک الحج، سیستانی، ص ۱۰۹.

۴. مناسک الحج، سیستانی، ص ۱۰۹؛ مناسک الحج، وحید، ص ۹۵.

۵. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۵-۱۵۶؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۳۸۸-۳۹۰.

۶. الکافی، ج ۴، ص ۴۴۰، ۵۳۹؛ تهذیب، ج ۵، ص ۳۲۳.

۷. مستند الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۶۳؛ مناسک الحج، وحید، ص ۹۴.

۸. الدرر، ج ۱، ص ۳۳۸.

۹. المعتمد، ج ۴، ص ۹۱، «کتاب الحج»: مناسک الحج، سیستانی، ص ۱۱۱.

۱۰. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ مستند الشیعه، ج ۱۳، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۸۰-۳۸۳.

۱۱. المجموع، ج ۷، ص ۳۸۴؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۳۰۵.

۱۲. المجموع، ج ۷، ص ۴۲۲.

۱۳. المجموع، ج ۷، ص ۴۲۲.

۱۴. المغنی، ج ۳، ص ۳۷۸-۳۷۹؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۸۴.

۱۵. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۷۱؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۴۱۴.

فساد عمره و وجوب اتمام عمره و ادای کفاره می‌گردد؛ ولی اگر آمیزش پس از شوط چهارم صورت گیرد، عمره فاسد نیست، بلکه باید به اتمام برسد و کفاره نیز پرداخت شود.<sup>۱</sup> به نظر برخی از فقیهان اهل سنت، در فساد عمره و پرداخت کفاره، تفاوتی میان فرض‌های علم و جهل و نسیان مُحرم نیست.<sup>۲</sup>

ب. آمیزش در حج: مهم‌ترین آثار فقهی آمیزش در حج عبارتند از:

▽ یک. فساد حج\*: به نظر مشهور فقیهان شیعه، به استناد احادیث<sup>۳</sup> آمیزش عمدی احرام گزار قبل از وقوف به مشعر، موجب فساد حج می‌شود؛ ولی آمیزش پس از وقوف، حج را باطل نمی‌کند.<sup>۴</sup> دیدگاه دیگر فقه امامی به استناد احادیثی چون «الحج عرفة» آن است که آمیزش پیش از وقوف عرفات موجب فساد حج است.<sup>۵</sup> حنفیان به استناد ادله‌ای چون آیه ۱۹۷ بقره/۲ که از آمیزش در حج نهی کرده، این عمل را سبب افساد حج قبل از وقوف به عرفات دانسته‌اند؛ ولی فقیهان دیگر

ع المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۵۷؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۱۵؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۸۴.  
 ۷. المغنی، ج ۳، ص ۳۱۵؛ الدرر، ج ۱، ص ۳۶۹-۳۷۰؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۸۴-۳۸۸.  
 ۸. المجموع، ج ۷، ص ۴۰۹، ۴۲۱؛ کشاف القناع، ج ۲، ص ۵۱۵.  
 ۹. المجموع، ج ۷، ص ۴۲۱؛ نک: تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۵۸.  
 ۱۰. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۵؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۴۶-۱۴۷.  
 ۱۱. مناسک الحج، گلپایگانی، ص ۹۶.

فساد عمره و وجوب اتمام عمره و ادای کفاره می‌گردد؛ ولی اگر آمیزش پس از شوط چهارم صورت گیرد، عمره فاسد نیست، بلکه باید به اتمام برسد و کفاره نیز پرداخت شود.<sup>۱</sup> به نظر برخی از فقیهان اهل سنت، در فساد عمره و پرداخت کفاره، تفاوتی میان فرض‌های علم و جهل و نسیان مُحرم نیست.<sup>۲</sup>

ب. آمیزش در حج: مهم‌ترین آثار فقهی آمیزش در حج عبارتند از:

▽ یک. فساد حج\*: به نظر مشهور فقیهان شیعه، به استناد احادیث<sup>۳</sup> آمیزش عمدی احرام گزار قبل از وقوف به مشعر، موجب فساد حج می‌شود؛ ولی آمیزش پس از وقوف، حج را باطل نمی‌کند.<sup>۴</sup> دیدگاه دیگر فقه امامی به استناد احادیثی چون «الحج عرفة» آن است که آمیزش پیش از وقوف عرفات موجب فساد حج است.<sup>۵</sup> حنفیان به استناد ادله‌ای چون آیه ۱۹۷ بقره/۲ که از آمیزش در حج نهی کرده، این عمل را سبب افساد حج قبل از وقوف به عرفات دانسته‌اند؛ ولی فقیهان دیگر

۱. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۴۵؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۲۲۸؛ فتح الغزیز، ج ۷، ص ۴۷۱.  
 ۲. نک: المجموع، ج ۷، ص ۳۴۱.  
 ۳. تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۴۰؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۴۷-۱۴۸.  
 ۴. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۶؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۵۲-۳۵۳.  
 ۵. نک: رسائل المرتضی، ج ۳، ص ۷۰؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۴۷.

در صورت ناتوانی از قربانی کردن شتر، گوسفند را کافی دانسته‌اند.<sup>۱</sup> بعضی گفته‌اند: شخص ثروتمند شتر، شخص متوسط گاو و شخص تنگدست گوسفند را باید کفاره دهد.<sup>۲</sup> برخی از فقیهان اهل سنت از جمله شافعیان و حنبلیان، کفاره آمیزش در حال احرام را خواه قبل از وقوف به عرفات و خواه پس از آن، قربانی کردن یک شتر شمرده‌اند؛ اما مالکیان آن را هَدْی<sup>۳</sup> یعنی قربانی کردن گوسفند دانسته‌اند.<sup>۴</sup> حنفیان کفاره آمیزش را قبل از وقوف، گوسفند و پس از آن شتر می‌دانند.<sup>۵</sup> برخی از فقیهان اهل سنت احرام گزار را میان قربانی شتر، گاو و گوسفند مخیر شمرده‌اند.<sup>۶</sup>

به نظر فقیهان امامی، پرداخت کفاره آمیزش به مردان اختصاص ندارد، بلکه بر زنان محرم نیز در صورت رضایت به آمیزش، واجب است؛ ولی در صورت اکراه و راضی نبودن زن، حج او صحیح است و کفاره بر او واجب نیست. در این صورت، همسر او باید

دو کفاره پردازد.<sup>۷</sup> فقیهان اهل سنت نیز پرداخت کفاره را در صورت رضایت زن بر او واجب دانسته‌اند؛<sup>۸</sup> اما در صورت اکراه یا خواب بودن زن، آرای مختلف دارند. برخی حج زن را فاسد و پرداخت کفاره را بر وی واجب دانسته‌اند؛ ولی بعضی دیگر، حج زن را صحیح قلمداد کرده، کفاره را بر او واجب نمی‌دانند.<sup>۹</sup> برخی از فقیهان اهل سنت در این فرض، پرداخت دو کفاره را بر مرد واجب شمرده‌اند.<sup>۱۰</sup> به نظر بیشتر فقیهان شیعه<sup>۱۱</sup> و برخی از فقیهان اهل سنت<sup>۱۲</sup> در صورت تکرار آمیزش، کفاره نیز تکرار می‌شود؛ ولی برخی از فقیهان اهل سنت تنها در پاره‌ای صور آمیزش مکرر را موجب تکرار کفاره دانسته‌اند؛ از جمله آن‌گاه که در دفعات و زمان‌های مختلف صورت گیرد.<sup>۱۳</sup> شماری گفته‌اند که در بار نخست شتر و در بارهای دیگر گوسفند واجب می‌شود.<sup>۱۴</sup> برخی نیز در صورت تکرار آمیزش تنها پرداخت یک

۶. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۹.

۷. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۷۵.

۸. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۱؛ نک: المجموع، ج ۷، ص ۳۹۴؛ المغنی، ج ۳، ص ۵۱۴.

۹. المجموع، ج ۷، ص ۳۹۵؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۴۱۶.

۱۰. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۷۹؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۴۷۷؛ الروضة البهیة، ج ۲، ص ۳۵۴.

۱۱. نک: المغنی، ج ۳، ص ۳۱۸.

۱۲. نک: بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۲۹۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۴۲۰.

۱۳. المجموع، ج ۷، ص ۴۱۹-۴۲۰.

۱. المعتمد، ج ۴، ص ۷۹، «کتاب الحج»: مناسک الحج، تبریزی، ص ۱۰۹.

۲. کلمة التقوی، ج ۳، ص ۳۱۷.

۳. الاستذکار، ج ۴، ص ۲۵۹؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۱۵؛ المجموع، ج ۷، ص ۴۱۴.

۴. الاستذکار، ج ۴، ص ۲۵۹؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۵۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۴۱۴.

۵. المجموع، ج ۷، ص ۴۱۴.

واجب است تا انتهای مناسک از یکدیگر جدا شوند.<sup>۶</sup> در برابر، برخی دیگر از فقیهان شیعه و اهل سنت جدایی میان زوجین را به طور کلی مستحب شمرده‌اند.<sup>۷</sup>

به نظر فقیهان شیعه<sup>۸</sup> و برخی از اهل سنت<sup>۹</sup> در صورتی که محرم با جهل یا بر اثر فراموشی یا جنون مرتکب آمیزش شود، آثار یاد شده از جمله فساد حج و کفاره بر کار او بار نمی‌شود و تنها استغفار بر او واجب است. برخی از اهل سنت در صورت جهل، نسیان، اکراه یا سهو احرام گزار نیز حج وی را فاسد و کفاره را بر او واجب دانسته‌اند.<sup>۱۰</sup>

به نظر فقیهان امامی، در صورت احصار\* محرم یعنی آن‌گاه که مانعی درونی از ادامه اعمال حج مانند بیماری برای محرم پدید آید، وی می‌تواند با فرستادن قربانی به مکه یا منا و تقصیر در محل احصار، از احرام خارج شود<sup>۱۱</sup>؛ ولی از میان محرمات احرام، حرمت آمیزش با همسر همچنان باقی است تا آن که سال بعد

۶. السرائر، ج ۱، ص ۵۴۸؛ الدروس، ج ۱، ص ۳۶۹؛ الحدائق، ج ۱، ص ۳۶۹.

۷. المجموع، ج ۷، ص ۴۱۵؛ مستند الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۳۳.

۸. مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۴۵۵-۴۵۷؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۴۹؛ المعتمد، ج ۴، ص ۹۱؛ «کتاب الحج».

۹. نک: المغنی، ج ۳، ص ۳۳۴-۳۳۶؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۴۱۷.

۱۰. المغنی، ج ۳، ص ۳۳۵-۳۳۶؛ البحر الرائق، ج ۳، ص ۳۱؛ کشاف القناع، ج ۲، ص ۵۱۵.

۱۱. السرائر، ج ۱، ص ۶۳۸؛ الحدائق، ج ۱، ص ۳۹.

کفاره را واجب شمرده‌اند.<sup>۱</sup>

۱. ج. اتمام حج فاسد و قضای آن: به نظر برخی از فقیهان، در مواردی که آمیزش موجب فساد حج می‌شود، آمیزش کننده باید حج فاسد، خواه واجب و خواه مستحب، را کامل کند و قضای آن را در سال دیگر به جا آورد. مستند این حکم در دیدگاه برخی از فقیهان شیعه<sup>۲</sup> و اهل سنت<sup>۳</sup> آیه ۱۹۶ بقره ۲/ است که به طور مطلق به اتمام حج و عمره دستور داده است: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ﴾؛ ولی برخی از فقیهان اهل سنت به استناد حدیثی نبوی و نیز قیاس کردن حج با نماز و روزه، بر این باورند که با فساد حج، شخص از احرام خارج می‌شود و اتمام آن لازم نیست.<sup>۴</sup>

(← فساد حج و عمره)

۲. د. جدایی زن و مرد مُحْرَم: فقیهان شیعه و اهل سنت با استناد به روایاتی برآنند که در صورت وقوع آمیزش میان زوجین، واجب است تا پایان مناسک میان آن دو جدایی انداخته شود؛ بدین ترتیب که در مکان خلوت بدون حضور فرد دیگر حضور نیابند.<sup>۵</sup>

اگر دیگر بار به همان راه روند، بر آن دو

۱. الاستذکار، ج ۴، ص ۲۶۰؛ المجموع، ج ۷، ص ۴۲۰.

۲. السرائر، ج ۱، ص ۵۴۸؛ الحدائق، ج ۱، ص ۳۵۵.

۳. الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۳۰۵.

۴. المغنی، ج ۳، ص ۳۷۷-۳۷۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۴۱۴.

۵. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۲۱۶؛ الدروس، ج ۱، ص ۳۶۹؛ الحدائق، ج ۱، ص ۳۶۹.



خود یا نایش حج بگزارد و این حرمت از میان برود.<sup>۱</sup>

### ◀ منابع

احیاء علوم الدین: الغزالی (م. ۵۰۵.ق.)، بیروت، دار المعرفة؛ الاستذکار: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳.ق.)، به کوشش سالم محمد و محمدعلی، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۰م؛ الاقناع: الشربینی (م. ۹۷۷.ق.)، بیروت، دار المعرفة؛ ایضاح الفوائد: محمد بن الحسن بن یوسف الحلّی (م. ۷۷۱.ق.)، به کوشش اشتهازدی و دیگران، قم، العلمیه، ۱۳۸۷ق؛ بدایة المجتهد: ابن رشد القرطبی (م. ۵۹۵.ق.)، به کوشش خالد العطار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ بدائع الصنائع: علاء الدین الکاسانی (م. ۵۸۷.ق.)، پاکستان، المكتبة الحبییه، ۱۴۰۹ق؛ تحریر الاحکام الشرعیه: العلامة الحلّی (م. ۷۲۶.ق.)، به کوشش بهادری، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)؛ ۱۴۲۰ق؛ تحریر الوسیله: امام خمینی (ع)؛ (م. ۱۳۶۸.ش.)، نجف، دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۰ق؛ تذکره الفقهاء: العلامة الحلّی (م. ۷۲۶.ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق؛ تفسیر العیاشی: العیاشی (م. ۳۲۰.ق.)، به کوشش رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمیه الاسلامیه؛ تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن): القرطبی (م. ۶۷۱.ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ تهذیب الاحکام: الطوسی (م. ۴۶۰.ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش؛ جامع المقاصد: الکرکی (م. ۹۴۰.ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۱ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰.ق.)، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق؛ جواهر الکلام: النجفی

(م. ۱۲۶۶.ق.)، به کوشش قوچانی و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ الحدائق الناصره: یوسف البحرانی (م. ۱۱۸۶.ق.)، به کوشش آخوندی، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۳ش؛ دانشنامه جهان اسلام: زیر نظر حداد عادل و دیگران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ش؛ دائرة المعارف قرآن کریم: مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش؛ الدروس الشرعیه: الشهدی الاول (م. ۷۸۶.ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق؛ ذخیره المعاد: محمد باقر السیزوری (م. ۱۰۹۰.ق.)، آل البيت (ع)؛ رسائل المرتضی: السيد المرتضی (م. ۴۳۶.ق.)، به کوشش حسینی و رجائی، قم، دار القرآن، ۱۴۰۵ق؛ الروضة البهیة: الشهدی الثاني (م. ۹۶۵.ق.)، به کوشش کلانتر، قم، مکتبه الداوری، ۱۴۱۰ق؛ روضة الطالبین: النووی (م. ۶۷۶.ق.)، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ زاد المسیر: ابن الجوزی (م. ۵۹۷.ق.)، به کوشش محمد عبدالرحمن، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق؛ السرائر: ابن ادریس (م. ۵۹۸.ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق؛ السنن الکبری: البیهقی (م. ۴۵۸.ق.)، بیروت، دار الفکر؛ شرائع الاسلام: المحقق الحلّی (م. ۶۷۶.ق.)، به کوشش سید صادق شیرازی، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ق؛ فتح العزیز: عبدالکریم بن محمد الرافعی (م. ۲۳۳.ق.)، دار الفکر؛ فرهنگ بزرگ سخن: حسن انوری و دیگران، تهران، سخن، ۱۳۸۱ش؛ فرهنگ فارسی: معین (م. ۱۳۵۰.ش.)، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۵ش؛ فرهنگ نامه اسرار و معارف حج: معاونت امور روحانیون، دار الحدیث، ۱۳۸۶ش؛ الفقه الاسلامی و ادلتنه: وهبة الزحیلی، دار الفکر، دمشق، ۱۴۱۸ق؛ فقه القرآن: الراوندی (م. ۵۷۳.ق.)، به کوشش حسینی، قم، کتابخانه

۱. السرائر، ج ۱، ص ۶۳۸؛ الحدائق، ج ۱۶، ص ۷.

غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ مناسک الحج: السيد الكلبيگانی، قم، دار القرآن الكريم، ۱۴۱۳ق؛ مناسک الحج: السيد علی السيستاني، شهيد، قم، ۱۴۱۳ق؛ مناسک الحج: ميرزا جواد تبریزی، قم، مهر، ۱۴۱۴ق؛ مناسک الحج: وحيد الخراسانی؛ منتهی المطلب: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، چاپ سنگی؛ مواهب الجليل: الحطاب الرعيني (م. ۹۵۴ق.)، به كوشش زكريا عميرات، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۶ق؛ وسائل الشيعه: الحر العاملي (م. ۱۰۴ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۲ق.

سيد جعفر صادقي فدكي



### آمین: عبارت پس از قرائت حمد در نماز

اهل سنت، از جمله نمازهای جماعت حرمین

واژه آمین از ریشه «ا - م - ن» به معنای اعتماد کردن، تصدیق نمودن، امین پنداشتن<sup>۱</sup> و برطرف شدن ترس و نگرانی<sup>۲</sup> آمده و در اصطلاح به معنای درخواست اجابت دعا از خداست.<sup>۳</sup> برخی واژه پژوهان آن را به صورت های آمین و آمین، با تشدید و بدون آن، به کار برده اند.<sup>۴</sup> روشن نیست که این واژه در اصل عربی بوده یا از واژه های دخیل است.

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۳۳؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۱.

۲. العين، ج ۸، ص ۳۸؛ الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۷؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۱. «امن».

۳. معانی الاخبار، ص ۳۳۹؛ معجم لغة الفقهاء، ص ۲۷.

۴. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۶-۲۷.

نجفی، ۱۴۰۵ق؛ قواعد الاحکام: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق؛ الكافي: الكليني (م. ۳۲۹ق.)، به كوشش غفاری، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۷۵ش؛ كشاف القناع: منصور البهوتي (م. ۱۰۵۱ق.)، به كوشش محمد حسن، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸ق؛ كفاية الاحكام (كفاية الفقه): محمد باقر السبزواری (م. ۱۰۹۰ق.)، به كوشش الواعظي، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۲۳ق؛ كلمة التقوى (فتاوى): محمد امين زين الدين، مهر، ۱۴۱۳ق؛ كنز العمال: المنتقى الهندى (م. ۹۷۵ق.)، به كوشش صفوة السقاء، بيروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ لغت نامه: دهخدا (م. ۱۳۳۴ش.) و ديگران، تهران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش؛ المبسوط في فقه الاماميه: الطوسي (م. ۴۶۰ق.)، به كوشش بهبودی، تهران، مكتبة المرتضويه؛ المبسوط: السرخسی (م. ۴۸۳ق.)، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ مجمع البيان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ مجمع الزوائد: الهيثمی (م. ۸۰۷ق.)، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۲ق؛ المجموع شرح المذهب: التنووي (م. ۷۶۶ق.)، دار الفكر؛ مختلف الشيعه: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق؛ مدارك الاحكام: سيد محمد بن علي الموسوي العاملي (م. ۱۰۰۹ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۰ق؛ مسالك الافهام الی تنقيح شرائع الاسلام: الشهيد الثاني (م. ۹۶۵ق.)، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ مستند الشيعه: احمد التراقي (م. ۱۲۴۵ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۵ق؛ المعتمد في شرح المناسك: محاضرات الخوئي (م. ۱۴۱۳ق.)، الخلخالی، قم، مدرسة دارالعلم، ۱۴۱۰ق؛ المغني و الشرح الكبير: عبدالله بن قدامة (م. ۶۲۰ق.) و عبدالرحمن بن قدامة (م. ۶۸۲ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية؛ من لا يحضره الفقيه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به كوشش